



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.

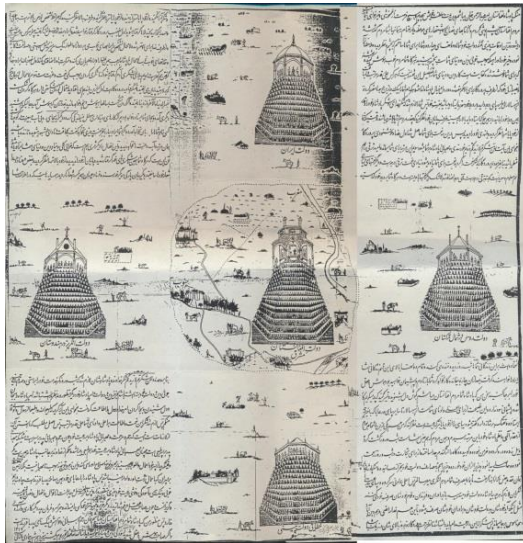


۲۰۲۰/۰۱/۲۴

عزیز کهگدای

## فرمان امیر عبدالرحمن خان ۱۳۱۶ق - ۱۸۹۸م

من که پادشاه افغانستان امیر عبدالرحمن خان میباشم در این مدت سلطنت خویش هیچم و هیچ فرصت از غمخواری و خیر خواهی شما رعیت افغانستان چشم پوشی نکردم و از کتاب های نصایح و اشتها های موعظه و دیگر اقسام رهنمایی ها بشما مردم گفته شده و میشود ، و در این اوقات چیزی در نقشه دولت شما ها و دولتهای چهار دور و بر شما را برای شما ها ساختم و خیر خود ها و راهیکه موجب خوبی دین و دنیای شماست به چشم ببینید هرگاه شما مردم ، خوب هوش کنید و نقشه که برای شما نوشته شده کفایت است . کار دین و دنیای شما را تفصیل این نقشه اینست که هرکس علی قدر مراتب و لیاقت و نصیبه نازلی خود که از طرف پروردگار برای او حکم مقرر شده و در دل و خیال پادشاه انداخته و هر کدام شما را به یک درجه از این درجه ها مقرر کرده از سپهسالار الی سایر سپاهی درجه دارید و بر درجه خود مقرر و ایستاده میباشید به عزت خود ، پس شما را لازم شد شکر خدا و شکر پادشاه خود را و قدر همین درجه خود را بدانید و بر همین جا که ایستاده اید بالا را نه ببینید و طرف پایان خود نظر کنید که چقدر مردم از شما پایانتز میباشند ، وقتیکه شما از خود پایانتز را نظر کردید و بلندی خود را دیدید، پس در این سه نعمت برای شما حاصل شد. اول رضاء و خوشنودی پروردگار به فتوای این آیت : لئن شکرتم لازیدنکم ، دوم خرسندی و مهربانی



اصل فرمان

پادشاه بر شما میشود. سوم این مرتبه برای شما میماند و امید ترقی را هم منتظر باشید بنا به فرموده پروردگار که شکر نعمت را کردید ، نعمت برای شما زیاد میشود ، زیادی نعمت ترقی درجه است و دیگر نعمت های دنیائی هم معلوم و موید است که بسته به ترقی درجه است وقتی که درجه اضافه شد بلاشک دیگر نعمت ها به او بسته است و هرگاه شما که بر درجه خود که هستید و شکر آنرا نکنید و از خود پایانتز را نبینید و از خود پایانتز را نظر کنید و اگر بالا نظر کنید که چرا فلان شخص از من بالاتر است ، بنای عداوت و حسد را بگذارید که به بلا ها و به غضب پروردگار گرفتار خواهید شد ، ایراد بر خداوند جل شاناه گرفتید ، زیرا هرکس مقتدرست و از طرف خدا برای او مقرر شده لامحال آن شخص را به راه های خوب می برد و از او اطوار نیک سر می زند مثل راستی، صداقت و کار نیک و خدمت های خوب لامحال پادشاه رابه سبب اطوار او براو مهربان میکند و منزلت او را اضافه میکند. اول ، نعوذ بالله ایراد بر خداوند گرفتن هم کفر است.

دوم، به بلای ناشکری آدم گرفتار میشود که ناشکری کردن موجب کمی نعمت و عزت است. سوم ، لامحال از همین مرتبه که بر او هستید پایان می افتید ، وقتیکه افتادید در او دو کار است . اول که از این بلندی جای افتادید احتمال گردن شکستن دارد و هرگاه گردن شکست، خیر دنیا و آخر دارد ، از دنیا رفتید ، و اگر گردن نشکست بسالها بیهوش و بیخود خواهید ماندید ، بعد از آن که بیهوش آمدید ، جای که داشتید دیگری آمده و بجای شما ایستاده خواهد بود ، چراکه کار های دنیاداری معطل نمی ماند یکی گر رود دیگر آید بجای و بی آب و بی عزت در کوچه ها گشته کسی نام شما را بزبان نخواهد آورد . اگر به شما ایراد بیاورد بجز لعنت چیزی نخواهد گفت ، بحماقت و نادانی مشهور میشوید و تا زنده باشید همان مرتبه و آب و عزت را نخواهید دید و این افعال را دیگر ثمری هم است که خرابی کلی و بنیاد دین و دنیای شما بر آورده میشود آن اینست که هرگاه شما به همین ناشکری های خود گرفتار شدید و پایان از

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دليکنی د ليکنیزي بنی پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

خود را ندیدید و از خود بالاتر را نظر کردید و به بغض و عناد و حسد را شعار خود ها ساختید و به گریبان پارگی همدیگر خورسند و فساد همدیگر را شعار کردید، همسایه های که در اطراف شما افتاده است «زندگی میکنند» ، بر این زندگانی شما شب و روز دیده ، خنده میکنند و تمام دولتها بالای این قسم زندگانی شما ایراد خواهند گرفت، بعد از آن چاره ، بیفایده و کار نخواهد کرد و شما باز نادم و پشیمان خواهید بود . هوش و عقل خود را بر جا کنید . سخن من که پادشاه شما مردم افغانستان می باشم بگوش دل بشنوید و تمیز کنید که چه میگویم ، کار شده را پشیمانی سود نه دارد ، و این نصیحت از برای اعلی و ادنای شماست از سپهسالار تا سایر سپاهی و رعایا که با اخیر درجه ایستاده و تفنگ برشانه دارد گفته میشود که سپاهی را از خود پایان ترکه رعیت است نظر کند که من هم یکی از این اشخاص بودم . از مقدر الهی و نظر پادشاه خود به این مرتبه رسیدم و همین مردم که همجنس شماست شب و روز کشت کرده و بیل زده و درو کرده خرمن نموده و کوبیده و کاه را از گندم جدا ساخته ، از برای تجارت شب و روز زحمت نموده حاصلی پیدا نمود و چیزی را از آن خود خورده و چیزی را به جهت مصارف دولت خود به خزانه رسانیده ، من که پادشاه شمایم همان نقد و جنس را که از آنها گرفته تا به ما و به مصرف شما مردم لشکری میرسانم ، پس اعلی و ادنی سر کرده و سپاهی و رعیت شکر این لازم که هر چه به پادشاه و دولت خود میدهد ، باز به برادران ، فرزندان و قوم خود شان صرف خود میکنند مثل اینکه آید خود شان بدولت خود شان و برادران خودشان صرف میشود به این هم خدا راضی و هم دین آباد و هم ناموس برجا می ماند، پس شکر از این را رعیت مدام باید داشته باشد تا نظر مرحمت پروردگار روز به روز بالای شان در زیادت باشد .

بنا بر و عده « و لئن شکرتم لا زیدنکم » شکر خداوند و پادشاه شان لازم شد که شب و روز کمر خدمت خود برآستی و صداقت و خیر جویی دین و دولت خود بسته داشته باشد ، بجز خیر دین و دولت و امر پادشاه خود دیگر منظور و مدنظری نه داشته باشد امر پادشاه را به جان و دل شنیدن و بجا کردن، امر خدا و رسول را اطاعت کردنت . به فتوای این آیه کریمه که « اطیعوا الله و اطیعوا الرسولوا الی و الامر منکم » پس لازم شد شکر این نعمت و اطاعت بر اعلی و ادنای شما علی قدر مراتب . پس اصل مطلب که دانستن آن از لازمت است اینست که رحم و مرحمت و مهربانی پادشاه بر رعیت خود ، چون رحم و مهربانی پدر بر پسر است مثلیکه مهربانی پدر بر پسر طبیعی است همچنان مهربانی پادشاه بر رعیت نیز طبیعی میباشد و حکم از خداوند بر جانب پادشاه همین است ، مگر وقتیکه پدر از پسر خود اعمال و اطوار ببیند بر زجر و توبیخ اصلاح او را میکند ، نه موجب نامهربانیست بلکه از عین حرکات است بر پسران که با اعمال زشت او روادار نه میباشد . پس پادشاه را با رعایای خود همین معامله پدر با فرزند است، و پادشاه بجز خوبی و نیک نامی و آسودگی و خوشی رعیت خود چیزی منظور ندارد و پس تا فرزند طفل و جاهلست ، از اقوال و افعال و نصایح پدر منتفر و گریزان است و چون صاحب عقل و فهم شد از پدر دیگر عزیز و مهربانتر بر خود کسی را نمیداند و جز امر و فرمان پدر دیگر کاری و آرزویی ندارد ، پس منظور من که پادشاه شما مردم افغانستان میباشد همان رحم و مهربانی ، خواهش و نیک نامی پدر با فرزند است و اگر صاحب هوش و عقل شدید آسودگی دین و دنیا را خواهید دید . انشاء الله تعالی . فقط تحریر یوم یکشنبه سیزدهم شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۱۶

پایان